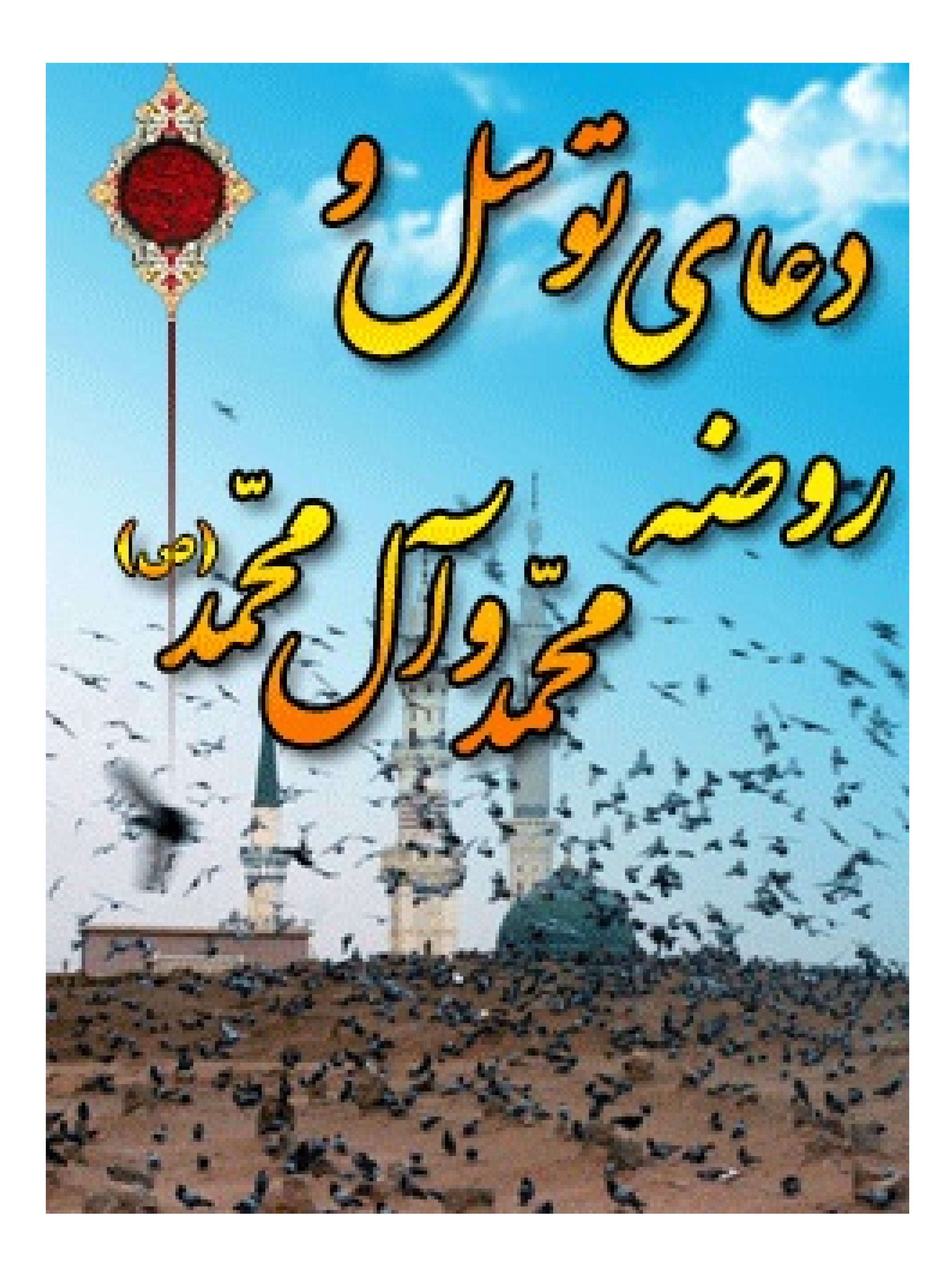

دعای توسل و
روضه
محمد و آل محمد (ص)


بسم الله الرحمن الرحیم

دعای توسل و روضه محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)

نویسنده:

علی میرخلف زاده

ناشر چاپی:

نشر محمد و آل محمد (علیهم السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

دعای توسل و روضه محمد و آل محمد (ص)

مشخصات کتاب

سرشناسه : میرخلف زاده علی ۱۳۴۳- عنوان قراردادی : دعـای توسـل فارسـی - عربی عنوان و نـام پدیـدآور : دعای توسل و روضـه محمد و آل محمـد صـلی الله علیـه و آلـه علی میرخلـف زاده مشـخصات نشـر : قـم محمـد و آل محمـد (ص ۱۳۸۲. مشخصات ظاهری : [۷۲] ص شابـک : ۱۰۰۰ریـال (چاپ دوم) یـادداشت : فارسـی - عربی یـادداشت : چـاپ دوم: ۱۳۸۵. یـادداشت : کتابنـامه به صـورت زیرنـویس موضوع : دعـای توسـل موضوع : روضه خوانی موضوع : شـعر فارسـی -- قرن ۱۴. موضوع : شعر مذهبی -- قرن ۱۴. رده بندی کنگره : BP۲۶۰/۴ /م ۹د۷ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۴ شماره کتابشناسی ملی : م ۸۲-۱۳۰۶۲

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

لعالمین والعاقبه لاهل التقوی والیقین الصـلوه والسـلام علی اشـرف الانبیاء والمرسلین حبیب اله العالمین ابی القاسم محمد صلی الله علیه وآله المعصومین الـذین اذهب الله عنهم الرجس (اءهـل البیت) وطهرهـم تطهیرا سـیما ناموس الـدّهر وولی الامر روحی وارواح العالمین له الفداء .

حمـد و سـپاس بی انتها مخصوص پرودگاریست که محبت محمد و آل محمد صـلی الله علیه و آله و سـلم را در قلبم نهاد و بر این بنـده کوچک منت گـذاشت و طین مارا با ولایت محمد و آل محمد صـلی الله علیه و آله عجین فرمود و درود بی حد ، بر محمـد و آل محمـد صـلی علیه و آله و سـلم که ما را مورد لطف و عنایات خودشان قرار دادنـد که بتوانیم قطره ای از مصائب آنها رابدید و سمع خوانندگان برسانیم .

یکی از علائمی که از شعائر

و نشانه های تقوی و رشد معنوی است ، عزاداری و سوگواری و نوحه سرایی و گریه برای محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله است و به قول آقا امام صادق علیه السلام که فرمود : هرکس مصیبتهای ما را یاد کند یا مانزد او یاد آور شویم و به اندازه بال مگسی برای ما اشک بریزد ، خدا تمام گناهان او را گر چه به اندازه کف دریا باشد می بخشد .

هر کس برای مظلومی ما و ظلمی که به ما شده مهموم و مغموم و گریان شود و برای ما آه بکشد خدای سبحان ثواب تسبیح به او می دهد ، و حزنش برای ما عبادت است ، هرکس چشمش گریان شود برای خونی که از ما ریخته شده یا حقی که از ما گرفته شده یاحرمت و شخصیت ما را هتک کرده شده ، خداوند همیشه جای او را در بهشت قرار میدهد .

فتم جزوه ای بنویسم که از روی آن خوانده شود و شیعه ای گریه کند و ما را در ثواب اندازد البته این مجموعه مختصر بنام روضه محمد و آل محمد صلی علیه و آله سلم است که انشاء الله اگر خدا توفیق داد یک کتاب کامل دراین زمینه نوشته خواهد شد ، (بنام روضه الشهداء یا روضه و مصیبت نامه محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله) انشاء الله مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیه الله آقا امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف قرار و ثواب این مختصر به روح تمام شهدا وعلماء و فضلا و امام راحل

و برادر شهیدم شیخ احمد میرخلف زاده واصل گردد .

روضه خوان محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله

علی میرخلف زاده

۶/۶/۸۱

روضه و مصبیت حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله

عَلَیْهِ وَآلِهِ ، یا اَبَا الْقاسِمِ یا رَسُولَ اللهِ یا اِمامَ الرَّحْمَهِ یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا یا وَجیهاً عِنْدَ اللهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ . ای دل بیا که موسم آه وفغان رسید

یعنی عزای خاتم پیغمبران رسید

اسلام خوار و عزّت ایمان به باد رفت

از این مصبتی که به اسلامیان رسید

خدا لعنت کند آن زن یهودیه ای را که توی غذای پیغمبر زهر ریخت ، آخه ، این چه زهری بود که پیغمبر را آب کرد و توی بستر انداخت و هی بهوش میاید و هی از هوش میره .

آقا رسول اللّه صلی الله علیه و آله صدا زد : همه از اطاق و حجره بیرون برند ، به ام سلمه فرمود : دم دراطاق بایست ، نگذار کسی وارد اطاق بشه .

صدا زد : یاعلی نزدیک من بیا ، می خوام با تو خدا حافظی کنم ، آخه وقت وداعِ . بعد دست میوه دلش ، نور دیده اش زهرا علیها السلام را گرفت به سینه اش چسباند ، دست برادرش علی علیه السلام را گرفت ، همینطور توی صورت علی و زهرا علیهما السلام نگاه می کرد و قطرات اشک از چشمهای مبارکش می ریخت ، می خواست حرف بزنه ، بعض راه گلویش را میگرفت و نمی توانست صحبت کند .

صدای گریه اهلبیت بلند شد . علی علیه السلام سر پیغمبرُ تو دامنش گذاشت ، آخه لحظه های آخر عمر پیغمبرِ

.

بی بی فاطمه علیها السلام صدا زد؛ یا رسول اللّه با گریه ات دلم را پاره پاره کردی ، جگرم را سوزاندی ، سینه پرحسرتم را آتیش زدی ، پیغمبر بی بی را به سینه اش چسباند و روی فاطمه علیها السلام را هی می بوسید و هی گریه می کرد .

امام حسن و امام حسین علیهما السلام را توی بغلش گرفت و صدای الوداع الوداع ، و گریه و خروش و شیون الوداع از زمین و آسمان بلند بود . . . (۱)

یک قدم بریم کربلا ، آی گرفتارها ، آخ من بمیرم برای آن دختری که خواست از بدن باباش حسین خدا حافظی کنه ، خودش را انداخت روی بدن پاره پاره باباش حسین علیه السلام . . . آمد صورت پدرش راببوسه دید باباش سر در بدن ندارد . . . (۲)

نوحه و سینه زنی

در ماتم ختم رُسل عالم گرفته

مولا امیرالمؤ منین ماتم گرفته

واویلتا واویلتا یارسول اللّه

گم گشته در غبار غم شهر مدینه

مولا علی بر سر زند ، زهرا به سینه

واویلتا واویلتا یارسول اللّه

خیز و نظر کن بر حسن یارسول اللّه

لبهای او را بوسه زن یارسول اللّه

واویلتا واویلتا یارسول اللّه

خیز و حسنینت رابگیر همچو جان در بر

زیرگلویش را ببوس یکبار دیگر

واویلتا واویلتا یارسول اللّه

دیدی چگونه داده شد اجرپیغمبر

بیت الولا آتش گرفت اللّه اکبر

واویلتا واویلتا یارسول اللّه

آتش کشد از خانه مولا زبانه

صاحب عزا را می زنند با تازیانه (۳)

یا اَبَا الْحَسَنِ یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ یا عَلِیَّ بْنَ اَبی طالِب ، یا حُجَّهَ اللهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا

، یا وَجیهاً عِنْدَ اللهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

روضه و مصیبت حضرت امام علی علیه السلام

کوفه رابگرفته موج اشک و ماتم

در عزای اولین مظلوم عالم

لاله گون دامان محراب دعا شد

شاهد مظلومی شیر خدا شد

آخ من بمیرم برای آن آقای مظلومی که تا خواست سراز سجده نماز نافله صبح برداره . یک وقت ابن مجلم لعین شمشیر زهرآلودش را چنان بر فرق سر آقا علی علیه السلام فرود آورد که تاپیشانی فرق شکافته شد .

زمین و آسمان به لرزه درآمد و صدای خروش و شیون ملائکه های آسمان بلند شد و جبرئیل صدا می زند : ای وای بخدا ارکان هدایت در هم شکسته شد . . .

علی مظلوم کشته شد . . .

جبرئیل گوید کشته شد مولا . . . آه واویلا آه واویلا

صدای ناله علی علیه السلام بلند شد ، بخدای کعبه رستگار شدم .

تا صدای علی علیه السلام را مردم شنیدند همه بطرف محراب دویدند ، دیدندآن حضرت میان محراب افتاده و هی خاکهارابر می داره و روی شکاف سرمی گذاره .

تا این صدا را ام کلثوم دختر علی علیه السلام شنید ، هی دیدند توی صورتش می زنه و گریبان چاک می کنه ، فریاد میزنه : وا ابتا وا علیا وا محمدا وا سیدا ، امام حسن و امام حسین علیهما السلام تا شنیدند از خانه بیرون آمدند ، دویدند طرف مسجد ، دیدند مردم دور علی علیه السلام را گرفتند ، دارندگریه و زاری ونوحه سرایی می کنند ، خودشان را دارن میزنند ، صدای وا اماماه و اعلیا شون بلندِ . (۴)

یک تُکِ پا کربلا برویم ، آی حسینی ها ، آقایان

عزیز خواهران عزادار ، یک جا اینجا بود که ام کلثوم تو صورتش می زد ، یک روز هم دید دور حسینُ علیه السلام گرفتند ، یکی سنگ می زند ، یکی شمشیر می زند ، یکی نیزه می زند ، دیدند ام کلثوم داره می دود و توی صورتش می زند . . . . آی حسین . (۵)

نوحه و سینه زنی

مسجد کوفه لاله گون گشته

تارک مولا غرق خون گشته

جبرئیل گوید : کشته شد مولا

آه واویلا آه واویلا

اشک گلگون از دیده ها ریزد

آه جانسوز از سینه هاخیزد

اولین مظلوم رفت از این دنیا

آه واویلا آه واویلا

پهنه عالم زین جفا لزرد

جن وانس امشب چون سما گرید

زین مصیبت شد بزم غم برپا

آه واویلا آه واویلا

شد خموش امشب شمع کاشانه

خانه مولا گشته غم خانه

موپریشان شد زینب کبری

آه واویلا آه واویلا

هم حسین گرید هم حسن گرید

شیعه را امشب مرد و زن گرید

همچو کلثوم از هجرت بابا

آه واویلا آه واویلا (۶)

یـا فـاطِمَهَ الزَّهْراءُ یا بِنْتَ مُحَمَّد یا قُرَّهَ عَیْنِ الرَّسُولِ ، یا سَیِّدَتَنا وَمَولاتَنا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْـفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکِ اِلَی اللهِ وَقَـدَّمْناکِ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا ، یا وَجیهَهً عِنْدَ اللهِ اِشْفَعی لَنا عِنْدَ اللهِ ،

روضه و مصیبت حضرت زهرا ام الائمه علیها السلام

بودی چراغ خانه ام زهرا ، یازهرا

تاریک شده کاشانه ام زهرا ، یازهرا

گوید حسین کو مادرم زهرا ، یازهرا

کو مادر غم پرورم زهرا ، یازهرا

ای نوگل پژمرده ام زهرا ، یازهرا

سیلی ز دشمن خورده ام زهرا ، یازهرا

بمیرم : نگذاشـتند ، آب غسل پیغمبر خشک بشه ، یک وقت عمر دسـتور داد یک مشت هیزم بیارنـد و در خانه زهرا بریزنـد و درخانه زهرا علیها السلام را آتیش بزنند .

نگذاشتند آب غسل پیغمبر خشک بشه ، بمیرم درنیم سوخته را عمر هُل داد و بی بی فاطمه علیها السلام را بین در و دیوار قرار داد و آنقدر در را فشار داد که صدای ناله بی بی بلند شد : (یااَبَتا یارَسوُلَ اللّه ، اَهکَذا کانَ یَفْعَلُ بِحَبیبَتِکَ وَابْنَتِکَ)

بابا یارسول اللّه ببین باحبیبه و دختر و میوه دلت چه کردند .

نگذاشتند آب غسل

پیغمبر خشک بشه ، جلوی علی ، فاطمه علیها السلام را کتک زدند و بازویش را شکستند ، خیلی سنگینِ برای مرد که زنش را جلوش کتک بزننـد و آن مرد نتونه کاری انجام بده ، جلوی زهرا طناب گردن علی علیه السـلام بیندازند . . . یازهرا . . . یازهرا (۷) .

نوحه و سینه زنی

بال و پر زد فاطمه در پشت در

شد فدا ما در به همراه پسر

ما در افتاد از نوا

غنچه شد از گل جدا

فاطمه یافاطمه

سینه ای کو را پیغمبر بوسه زد

میخ داغ در هم آخر بوسه زد

بر بهشت مصطفی

بوسه زد میخ ای خدا

فاطمه یافاطمه

پشت درب خانه افتاد از نفس

گفت یافضّه بفریادم برس

فضّه پهلویم شکست

محسنم در خون نشست

فاطمه یافاطمه

یامحمد لاله ات پژمرده شده

سینه ات از میخ در آزرده شده

کشته شد زهرای تو

ام ابیهای تو

فاطمه یافاطمه

یا اَبا مُحَمَّد یا حَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ اَیُّهَا الْمُجْتَبی یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ ، یا حُجَّهَ اللهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا یا وَجیهاً عِنْدَ اللهِاِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ ،

روضه و مصیبت حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام

یارب امام مجتبی مسموم کین شد

قلب شریفش پاره اندر راه دین شد

آمد ببالینش حسین با چشم گریان

زینب از این ماتم شده زار و پریشان

اندر جنان زهرا سیه پوش و غمین است

بهر حسن افسرده و زار و حزین است

هرمردی تو زندگیش هر دردی داشته باشه ، اول زنش خبردار می شه ، من بمیرم برای امام حسن علیه السلام که توی خانه اش هم غریب بوده ، یک وقت صدا زد ، کنیزها بگوئید زینبم بیاید ، بی بی آمد ، صدا زد : حسنم چه شده ؟

فرمود : خواهرم ، حالم منقلب است ، برو زود حسینم را خبر کن . بی بی آمد توی محله بنی هاشم ، دراین خانه رامی زند ، حسینم داداش بیا ، عباس بیا ، عون بیا ، جعفر بیا ، همه بیاید ، ببینید حسنم چشه ؟

ریختند دور بسترامام حسن علیه السلام ، یک دفعه آقا

صدا زد : خواهرم ، زینبم برو برام یک طشت بیار ، رفت یک طشت آورد ، آقا سرش را توی طشت کرد ، تا سر بلند کرد دیدند پاره های جگرش داخل طشت است .

ای اُف برتوای روزگار دو طشت به زینب نشان دادی ، میان یک طشت پاره های جگر امام حسن علیه السلام ، حسینی ها بگم آتیش بگیری ، میان یک طشت هم سربریده حسین . . . (۸)

نوحه و سینه زنی

گریه کن ای شیعه باصوت حَزَن

از برای قلب سوزان حسن علیه السلام

جعده ملعون از زهر جفا

زد شرر بر جسم و جان مجتبی علیه السلام

سوده الماس را آن بی حیا

ریخت و در کام عزیز مصطفی صلی الله علیه و آله

پیش روی خواهرش با چشم تر

ناله بنمود از سوز جگر

پاره های قلب خود با صد مَحَن

از دهان می ریخت شاه مُمتحَن

دید زینب را اشاره می کند

با دو چشمانش نظاره می کند

از غم جانسوز مولانا حسن

شد زمین و آسمان بیت الحزن

آه و وایلا که شد با شور و شین

بی برادر شاه مظلومان حسین (۹)

یا اَبا عَبْدِاللهِ یا حُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ ، اَیُّهَا الشَّهیدُ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ یا حُجَّةَ اللهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا یا وَجیهاً عِنْدَ اللهِاِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ ،

روضه و مصیبت حضرت سیدالشهداء علیه السلام

کربلا وارد بکویت شد حسین

میهمان اندر سرایت شد حسین

باابوالفضل و علیّاکبرش

وارد مهمانسرایت شد حسین

زینب و کلثوم و زنهای حرم

عازم بزم بلایت شد حسین

ای زمین زآنها پذیرائی نما

چون مقیم نینوایت شد حسین

خدا قافله دارد می آید کربلا ، یک وقت رسیدند به جائی

دیدند اسب امام حسین علیه السلام قدم از قدم برنمی داره .

اسبش را عوض کردند ، دیدند راه نمی رود .

اسب دیگری آوردند ، آقاسوار شد ، دیدند ، قدم نمی زند .

یک وقت جوانها گفتند : آقا چرا این اسبها راه نمی روند .

فرمود : ببینید از این عربهای بادیه نشین کسی هست در این سرزمین ، اسم این زمین را بلد باشد .

پیرمردی را آوردند ، فرمودند : بابا اسم این زمین را می دانی ؟

گفت : بله آقا ، این زمین چند تا اسم داره ، قادسیه ، غاضریه ، شاطی ء فرات ، . . . .

آقا فرمود : اسم دیگری ندارد ؟

چرا آقانینوا هم می گویند . آقا فرمود : اسم دیگری ندارد ؟

چرا آقا اینجا را کربلا هم می گویند .

فرمود : آی جوانها ، بارها راپایین بیارید ، بار به منزل رسیده . . .

بار بگشائید اینجا کربلاست

آب و خاکش با دل و جان آشناست

السلام ای سرزمین کربلا

السلام ای منزل نور خدا

السلام ای وادی دلجوی عشق

وه چه خوش می آید اینجا بوی عشق

یک وقت صدا زد : ای برادرها ، ای پسر برادرها ، ای محرمها ، اول بروید زینب را پیاده کنید .

آمدند ، دور محمل خانم را گرفتند ، محترمانه زینب را پیاده کردند .

اف برتو ای روزگار ، چند روزی بیشتر نگذشت ، باز همین زینب خواست سوار شود ، هر چه نگاه کرد ، دید یکنفر نیست

کمکش کند .

خدا یک وقت رویش را برگرداند طرف گودال قتلگاه ، صدا زد : حسین جان بلند شو زینب را سوار کن . (۱۰)

نوحه و سینه زنی

شه فرودآمد بدشت کربلا

گفت پس با آن زمین پُر بلا

ای زمین ای تربت عنبر سرشت

ای بتربت برتر از خاک بهشت

ای زمین از عرش اعلا برتری

چون مقام زاده پیغمبری

بعد از این خاک تو باشد مدفنم

تا قیامت در تو باشد مسکنم

سوی تو از مکه نازان آمدم

خود نه تنهابا جوانان آمدم

آمدم تا در تو جان فانی کنم

در تو هفتاد و دو قربانی کنم

این من و این اکبر و این اصغرم

قاسم و عباس و عون و جعفرم

حالیا بر گو مرا مدفن کجاست

مدفن قربانیان من کجاست

راست بر گو ای زمین اندر کجا

دست عباسم شود از تن جدا

در کجا بر جان من آذر زنند

تیر بر حلق علی اصغر زنند

گو بمن قبر علی اکبر کجاست

حجله گاه قاسم مضطر کجاست

بر گلوی من کجا خنجر کشند

از سر زینب کجا معجر کشند

در کجا جسم مرا عریان کنند

پایمالم از سم اسبان کنند (۱۱)

یـا اَبَـا الْحَسَنِ یا عَلِیَّ بْنَ الْحُسَـیْنِ ، یا زَیْنَ الْعابِـدینَ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ یا حُجَّهَ اللهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَـیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْـفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللهِ ، وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا ، یا وَجیهاً عِنْدَ اللهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ ،

روضه و مصیبت حضرت امام زین العابدین علیه السلام

رهبر راه خدا سجاد زین العابدین

گوهر بحر صفا سجاد زین العابدین

نام او باشد علی بابش شهید حق حسین

در دو عالم رهنما سجاد زین العابدین

آقا امام سـجاد علیه السلام توی این چند سال عمری که داشتند زجرها و رنجها و سختیها و اذیتهای زیادی کشیدند ، منجمله از کربلا بگم :

حضـرت از شدت مریضـی و بیماری روی زمین افتاده بود که شـمر وارد خیمه شد و تصمیم گرفت آقا امام سجاد را بکشد که بی بی زینب خودش را

روی حضرت انداخت و فرمود : اول مرا باید بکشی بعد آقا را . . . .

یکی ، از کربلا تا شام روی ناقه های عریان با تن تب دار و مریض و پا و دست و گردن رابه غل و زنجیر . . . .

یکی ، توی کوفه مجلس ابن زیاد ، آنملعون گفت : این مرد کیست ، او را بکشید که باز بی بی زینب جلو آمد . . .

یکی هم مجلس یزید لعین ، یزید پلید با چوب خیزران بر لب و دندان حسین علیه السلام

دل سودا زده ام ناله و فریاد کند

هر زمان یاد غم سیّد سجاد کند

بی گمان اشک به رخساره بریزد از چشم

هرکه یادی ز گرفتاری سجاد کند

آقا تا چهل سال همه اش گریه می کرد ، هر وقت غذا جلوش می گذاشتند گریه می کرد ، آب می دید گریه بیشتر می شد ، گوسفندی زبح می کردند آقا با شدت گریه می کرد . یکی ازغلامان گفت : فدات بشم آقا میترسم از زیادی گریه از بین بروی . . . آقا می فرمود : چطور گریه نکنم در حالی که مقابل خودم پدرم را قطعه قطعه کردند برادرانم را پاره پاره کردند فامیلم را . . . .

آه بمیرم من نمیدانم این چه زهری بود که ولید (هشام) بن عبدالملك به حضرت خورانید و آقا را مسموم کرد ، که آقا هی بخودش می پیچید هی از هوش می رفت و دوباره بهوش می آمد و سوره واقعه می خواند . . . (۱۲)

نوحه و سینه زنی

غرق ماتم دل اهل یقین است

داغ عظمای

زین العابدین است

واشهیدا واشهیدا

قلبش از زهرکین شد پاره پاره

از دل فاطمه خیزد شراره

واشهیدا واشهیدا

آنکه آزرده از شام بلا بود

رهبر کاروان اسراء بود

پیکر پاک او دارد نشانه

پور زهرا کجا و تازیانه

واشهیدا واشهیدا

گه بزندان و گه گوشه ویران

عمرش از داغ یاران شد بپایان

همسفر با سر پاک شهیدان

شد نوازشگر قلب یتمیان

واشهیدا واشهیدا (۱۳)

یا اَبا جَعْفَر یا مُحَمَّدَ ، بْنَ عَلِیٍّ اَیُّهَا الْباقِرُ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ یا حُجَّةَ اللهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللهِ ، وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا ، یا وَجیهاً عِنْدَ اللهِاِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

روضه و مصیبت حضرت باقرالعلوم علیه السلام

پنجمین اختر برج ولایت

کشته شد مهدیا سرست سلامت

کشته مولا چو از زهر جفا شد

سوگواری از غمش ارض و سما شد

قلب شیعه نشان دارد ز داغش

جان بقربان قبر بی چراغش

از جفای هشام عالم غمین شد

چون بسوی جنان مولای دین شد

مهدی فاطمه بر تربت او

می فشاند سراشک از غربت او (۱۴)

آخ بمیرم ، زینی را زهر آلود کردند ، و به امر خلیفه ملعون (عبدالمک مروان) روی اسب گذاشتند و گفتند : باید آقا امام باقر علیه السلام سوار بر آن بشه ، آخ بمیرم ، حضرت را بااصرار سوار بر اسب کردند ، یک ساعتی نگذشت که آقا پیاده شد ، حال آقا را منقلب دیدند ، آقا از درد پا به خود می نالد ، (لا اله الا الله) این زهر چقدر قوی بوده که تمام بدن آقا ورم کرد و از درد بدن از حال و هوش می رفت ، درد تمام بدن فرزند زهرا را فرا گرفته ، این زهر چه زهری بود

که به سه روز نکشید که دیدند آقا جان داده .

حضرت به امام صادق علیه السلام وصیت کرده بودند ، پسرم ، جعفرم ، اگر از این دنیا رحلت کردم ، بده تا ده سال در ایام حج در منی برام عزادری کنند . . . بخاطراینکه بچه های زهرا علیها السلام برای پدرشان دلتنگی نکنند و جای پدرشان راتاریک نبینند ، امام صادق بعد از رحلت پدر بزرگوارشان امام باقر علیه السلام ، هر شب چراغی توی اطاق پدر بزرگوارشان روشن می کردند . (۱۵)

ولی دلها بسوز برای آن بچه هایی که شام عاشورا در آن تاریکی های بیابان روی خارهای مغیلان می دویدند و بابا بابا می کردند . . . .

نوحه و سینه زنی

شد حضرت باقر مسموم اعدا

شهر مدینه شد یکباره غوغا

واویلا واویلا ، آه واویلا

در ماتمش شیعه محزون و زار است

در سوگ جانسوزش دل ها فکار است

شد در جهان خاموش اختر دلها

آه واویلا ، آه واویلا

واویلا واویلا ، آه و واویلا

آنکو که با دین جدش پیمبر

و ز نور علم خود عالم منور

نموده با امر خلّاق یکتا

آه واویلا آه واویلا

واویلا واویلا ، آه واویلا

آن رهبری کاندر کربُبلا بود

خود شاهد جنگ خون خدابود

با داغ مولا رفت از دار دنیا

آه واویلا آه واویلا

واویلا واویلا ، آه واویلا

برحضرت باقر گرم عزائیم

از داغ جانکاهش نوحه سرائیم

سرشک غم باریم از هجر مولا

آه واویلا آه واویلا

واویلا واویلا آه واویلا (۱۶)

یا اَبا عَبْدِ اللهِ یا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّد ، اَیُّهَا الصّادِقُ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ یا حُجَّهَ اللهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا ، یا وَجیهاً عِنْدَ

اللهِاشفع لنا عنداللّه .

روضه و مصیبت حضرت امام صادق علیه السلام

مجری احکام حق قرآن ناطق کشته شد

نوح آل مصطفی امام صادق کشته شد

میوه قلب نبی چشم چراغ بوتراب

پیکرش از آتش زهر ستم گردیده آب

آن ولیّ حق که باشد خلق عالم را شفیع

از چه یا رب تربتش زائر ندارد در بقیع

بخاطر اینکه بچه های زهرا علیه السلام را بیشتر اذیت و آزار و شکنجه روحی و جسمی دهند ، کارهای فوق العاده ای میکردند ، نیمه های شب همه خوابند ، منصور دوانقی (لعنه الله علیه) دستور داد بریزند منزل آقا امام صادق و با همان حال حضرت را به دارالخلافه بیاورند ، آن مامور خود فروخته درباری نیمه های شب ، با سر برهنه این پیرمرد الهی را بدون هیچ پوششی پیش آن لعین می برد ، آن لعین به آن حضرت جسارت و خشونت وبی ادبی می کرد .

خدا لعنت کند منصور دوانقی را ، دستور داد امام صادق را زهر بدهند ، انگوری را بزهر آلوده کردند و حضرت را مسموم کردند ، آخ بمیرم این چه زهری بود که آقا را بستری کرد تمام گوشتهای بدن حضرت را آب کرد ، و حالشان خیلی وخیم و بد شد و ایشان را ضعیف و لاغر کرد .

می گوید : رفتم به دیدن آقا دیدم فرزند زهرا لاغر و نحیف و ضعیف شده تمام گوشتهای بدن ریخته ، از شدت درد ، هی بیهوش می شد و هی بهوش میاد از شدت ناراحتی گریه ام گرفت . یک روز منصور لعین دستور داده بود خانه امام صادق علیه السلام را آتش بزنند ، می گوید دیدم آقا خیلی

ناراحت و گریان است ، گفتم قربانت بشوم چرا گریه می کنید و ناراحت هستید ؟ فرمود : وقتی که منصورلعین خانه ام را به آتش کشید من توی خانه بودم دیدم اهلبیتم ازترس وحشت سر و صدا و شیون می کنند و این طرف و آن طرف می دوند تا آتیش به آنها اثابت نکند ، من بیاد اهلبیت جدم حسین افتادم که روز عاشورا وقتی خیمه ها را آتش زدند و بچه های حسین از ترس و وحشت رو به بیابانها کردند . . . حسین حسین علیه السلام حسین . (۱۷)

نوحه و سینه زنی

صادق آل محمّد کشته شد

قلب پاکش از جفا آزرده شد

عاقبت از کینه منصور دون

سوی جنّت با دلی صد پاره شد

زهر او در پیکرش بنمود اثر

قلب زهرا در جنان افسرده شد

در غم و سوک عزا یثرب شده

قاتل بی دین او شرمنده شد

پیکرش برروی دست شیعیان

در بقیع آن جسم اطهر برده شد

موسی جعفر عزادار پدر

گرد غم بر شیعیان پاشیده شد (۱۸)

یا اَبَا الْحَسَنِ یا مُوسَی بْنَ جَعْفَر ، اَیُّهَا الْکاظِمُ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ یا حُجَّهَ اللهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا ، یا وَجیهاً عِنْدَ اللهِاِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

روضه و مصیبت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام

کنج زندان بلا مسکن و ماءوای من است

ناله و آه و فغان مونس شبهای من است

جای نمناک و سیه چال و دراین کنج قفس

سندی شاهک دون باعث غمهای من است

یا رب از مجلس هارون ، تو خلاصم بنما

رستن از بند عدو حکم تبرای من است (۱۹)

چهارده سال از این زنـدان به آن زنـدان ، یکسال زنـدان بصـره عیسـی بن جعفر ، حـدوده ده سال زندان فضل بن ربیع و مدت زیادی زنـدان فضل بن یحیی و این اوآخر تحویل سـندی بن شاهک یهودی ملعون (پیغمبر فرمود : هیـچ قومی ماننـد یهود مرا اذیت نکرد) هارون رشـید لعین به سـندی بن شاهک دستورداده ، تا می تونی موسی بن جعفر علیه السلام را اذیت کن و او را از بین ببر .

آن یهودی هم بعد از شـکنجه های روحی و جسـمی امام راباچند خرمای زهر آلود مسـموم و شـهید کرد ، هارون گفت : بدن فرزند زهرا را بدون تشریفات

ببرید .

جلوی مقابر قریش (در یک فرسخی بغداد) بخاک بسپارید ، جنازه آقا را چهار حمّال با خفّت و خواری از زندان بیرون آوردند . تا سه روز بدن را آنجا گذاشتند . سلیمان بن ابی جعفر برادر هارون وقتی این وضع اسف بار و خفت بار را دید خیلی متاثر شد ، عمامه خود را از سرش انداخت و گریبان چاک زد و با پای برهنه کنار پیکر فرزند زهرا آمد . (۲۰)

دستور داد ، بدن بچه زهرا علیه السلام را با عزّت و احترام تشییع کنند ، لکن هر دوست و دشمن که زیر جنازه می رفت وبر می گشت مثل ابر بهار گریه می کرد ، می گفتند : آقا چرا گریه می کنی ؟ می گفتند : آخه وقتی زیر جنازه می رفتیم هنوز صدای زنجیر پای مبارکش بگوش می رسید ، چون پسر فاطمه وصیت کرده بود مرا با همان غل و زنجیر پایم دفن کنید . (۲۱)

درکنج زندان بلا ، آه واویلا

جان می سپارم ای خدا ، آه واویلا

واویلتا واویلتا ، آه واویلا

در زیر زنجیر گران ، نیمه های شب

گریم به یاد کوفه و عمه ام زینب

واویلتا واویلتا ، آه واویلا

در زیر زنجیر گران جان فداکردم

بر جد مظلومم حسین ، اقتدا کردم

واویلتا واویلتا ، آه واویلا

ای خاک زندان بلا ، قتلگاه تو

امشب تا سحرنقش زمین ، روی ماه تو

واویلتا واویلتا ، آه واویلا

درگوشه زندان خموش ، شد مناجاتت

بعدازشهادت آمدند بر ملاقاتت

واویلتا واویلتا ، آه واویلا (۲۲)

یا اَبَا الْحَسَنِ یا عَلِیَّ بْنَ مُوسی اَیُّهَا الرِّضا یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ یا حُجَّهَ اللهِ عَلی خَلْقِهِ

يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ اِلَى اللهِ وَقَدَّمْناكَ بَيْنَ يَدَىْ حاجاتِنا ، يا وَجيهاً عِنْدَ اللهِاِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

روضه و مصیبت حضرت امام رضا علیه السلام

آمدم ای شاه پناهم بده

خط امانی ز گناهم بده

ای حرمت ملجاء درماندگان

دور مران از درُ راهم بده

در شب اول که بقبرم نهند

نور بدان شام سیاهم بده

ای که عطا بخش همه عالمی

جمله حاجات مرا هم بده (۲۳)

(آقا امام رضا علیه السلام) فرمود : اباصلت من توی مجلس مامون می روم ، اگر دیدی بیرون آمدم عبا بر سر کشیدم ، دیگه با من حرف نزن ، اباصلت میگه : آقا رفت توی مجلس مامون طولی نکشید بیرون آمد ، دیدم حالش منقلب است ، عبایش راروی سرش انداخته . . .

داخل خانه شد ، صدا زد : اباصلت در خانه را ببند . . . در اتاق را ببند . . . فرشها را جمع کن . . . می خواهم غریبانه جان بدم ، اباصلت میگه : درِ خانه را بستم ، درِ اتاقُ بستم گاهی می آمدم ، توی اطاق نگاه می کردم ، می دیدم آقا مثل شخص مار گزیده به خودش می پیچد ، هی بلند می شه ، هی می شینه ، یک وقت دیدم آقا بی اختیار به زمین افتاد .

آمدم توی صحن خانه - ناراحت بودم ، یک وقت دیدم یک آقازاده ای ۷ - ۸ ساله ای آن گوشه حیاط پیداش شد ، دویدم جلو ، آقاجان من که در را بسته بودم ، شما از کجا آمدید ؟ ! صدا زد : اباصلت بابام کجاست ؟ آن قادری که مرا از

مدینه به یک چشم بهم زدن به طوس رسانده قدرت داره که از در بسته هم مرا وارد خانه کند ، آمد طرف حجره آقا ، من دنبال سر آقازاده آمدم : رفتم ببینم این پدر و پسر وقت ملاقات چه می کنند .

میگه : یک وقت تا وارد حجره شد ، دیدم امام رضا علیه السلام بلند شد بچه اش جواد را بغل کرد میوه دلش ، پاره تنش را دو سال ندیده ، می گه : آمدم سر به دیوار گذاشتم داخل خانه زار زار گریه می کردم ، طولی نکشید یک وقت دیدم آقازاده آمد ، اما حالش پریشان است . گفتم : آقاجان چرا ناراحتی ؟ !

صدا زد : اباصلت بابام از دنیا رفت . (۲۴)

نوحه و سینه زنی

اسلام ای شهید خراسان

ای پناه دل بی پناهان

ای گل پرپر باغ حیدر

پاره قلب موسی بن جعفر

ای رضا جان ، ای رضا جان ، ای رضا جان

تو جگر گوشه مرتضایی

تو علی بن موسی الرضایی

جان زهرا و جان جوادت

وقت مردن ز ما کن عیادت

ای رضا جان ، ای رضا جان ، ای رضا جان

مصطفی را تو نور دو عینی

حافظ خون سرخ حسینی

یک نظر کن بر این قلب خسته

جان زهرای پهلو شکسته

ای رضا جان ، ای رضا جان ، ای رضا جان ، (۲۵)

یا اَبا جَعْفَر یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ اَیُّهَا التَّقِیُّ الْجَوادُ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ یا حُجَّهَ اللهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّاتَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا ، یا وَجیهاً عِنْدَ اللهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

روضه و مصیبت حضرت امام جواد علیه السلام

ای ولی کبریا جواد الائمه

مظهر جود خدا جواد الائمه

مهر جهانتاب آسمان کرامت

ابر عطا و سخا جواد الائمه

غرق گناهیم همه امید توئی تو

رحمت بی منتها جواد الائمه (۲۶)

آخ بمیرم امام جواد علیه السلام بیست و پنج سالش بوده ، امان از دشمن خانگی ، زنش دختر عبدالله مامون ام الفضل بود ، شوهرش را مسموم کرد ، وقتی آقا را زهر داد دَرِ حجره را بروی آقا بست ، پسر فاطمه هی صدا می زد : ام الفضل جگرم از تشنگی می سوزد یک مقدار آب بده ولی این نانجیب اعتنا نمی کرد . امام جواد علیه السلام میان حجره ناله می زد ، ام الفضل ترسید صدای ناله آقا به گوش همسایه ها برسد ، این نانجیب به کنیزها گفت : برید بشینید و کف بزنید ، پسر فاطمه

علیه السلام داره ناله می کند ، اینها کف می زنند ، ای غریب آقا ، مظلوم پسر فاطمه علیه السلام .

یک وقت دیدند صدای ناله آقا دیگه نمی آید ، ام الفضل دستور داد در اتاق را باز کردند ، دیدند آقا بالب تشنه جان داده ، آیا دستور داد شیعه ها را خبر کنند ؟ خیر ، این ملعونه دستور داد که بدن آقا را بالای بام ببرند ، سه روز بدن بالای بام بوده ، یک روز یکی از شیعه ها آمد از دم خانه ام الفضل رد بشه ، نگاه کرد طرف بام خانه ، دید یک مشت کبوترها بالهایشان را به هم داده اند یک چیزی را سایه کرده اند ، یک وقت دَرِ خانه وا شد کنیزی بیرون آمد ، صدا زد : کنیز بالای بام چیه ؟

گفت : مگر نمی دانی ؟ گفت : نه ! گفت : بالای بام بدن میوه دل زهرا جواد الائمه است . (۲۷)

نوحه و سینه زنی

جواد الائمه تو نور خدائی

مه برج احسان تو ابن الرضائی

نما یک نگاهی سوی مستمندان

تو دریای جودی تو بحر سخائی

شهید از ره کین شدی در جوانی

توئی روح ایمان رضا بر قضائی

اگر زهر کین زد بجانت شراره

به بالین نبودت اگر آشنائی

بمانند جدت که لب تشنه جان داد

پی حفظ اسلام و گشتی فدائی

توبا قلب پر خون برفتی ز دنیا

ترا شد شهادت حیات نهائی

نظر کن ز احسان به جمع محبان

توئی مظهرحق توکان عطائی (۲۸)

يـا اَبَـا الْحَسَنِ يـا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّد اَيُّهَـا الْهـادِى النَّقِيُّ يَـا بْنَ رَسُولِ اللهِ يـا حُجَّةَ اللهِ عَلى خَلْقِهِ يا سَـيِّدَنا وَمَوْلانا اِنّاتَوَجَّهْنا وَاسْتَشْـفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ

اِلَی اللهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا یا وَجیهاً عِنْدَ اللهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

روضه و مصیبت حضرت امام هادی علیه السلام

هادی دین شمس ولایت توئی

چشمه احسان و کرامت توئی

ای که توئی آینه بوتراب

هر دو جهان ذرّه و تو آفتاب

کوثر و لطف و کرم و عدل و داد

نور دو چشمان امام جواد

معتز پرُ کینه و بی عدل و داد

عاقبتُ الامر ترا زهر داد (۲۹)

خدا همه خلفای عباسی مخصوصاً متوکل عباسی را لعنت کند ، این مرد خیلی خبیث و بد طینت و ظالم بود .

(همین بود که راه را به زوار ابی عبد الله الحسین علیه السلام بست و قبر امام حسین علیه السلام را خراب کرد و داد آب انداختند و شخم زدند ، اینقدراین مرد ظلم بوده ، بقول آقا امیرالمؤ منین علیهم السلام : (عاشرهم اخبثهم) ، دهمین خلیفه عباسی بدترین و خبیث ترین و ظالم تر آنها است) .

این نانجیب خیلی امام هادی علیه السلام را اذیت کرد ، اصلاً با آل علی علیه السلام و بچه های زهرا علیهم السلام خیلی دشمنی و کینه عمیقی داشت ، رنجها و سختی هایی که در عصر او به آل علی علیه السلام رسید در هیچکدام از خلفای عباسی نرسیده .

آن حضرت را می خواست خوار کند از مدینه به سامرا که پایتختش بود دعوت کرد ، وقتی حضرت سامرا آمد ، آن آقا را تا مدتها در کاروانسرای بی کسان و غریبان و گداها منزل داد .

شب و روز در صدد اذیت و آزار و اهانت به ساحت مقدس امام هادی علیه السلام بود ، هر کاری که از دستش بر می

آمد نسبت به آقا میکرد .

یک مدت در محبس زندان سعید حاجب نگه داشت تا آقا را شکنجه دهد و بکشد .

قبری جلوی آقا می کندند که پسر فاطمه علیه السلام را زجرکش کنند .

شبانه توی خانه آقا میریختند تا آقا استراحت نداشته باشد ، حدود بیست سال آقا را تبعید و دربدر و زندانی کرد .

متوکل بخاطر اینکه شکنجه های روحی بدهد آقا را سر سفره شراب می آورد و به آقا تعارف می کرد . . . . تا پسر زهرا ناراحت بشه .

آقا را غریب و مظلومانه و بی کس شهید کردند . وقتی که متوکل بدرک رسید ، پسرش المعتز با امام هادی علیه السلام برخوردهای شدیدی کرد و برای کشتن امام با برادر زاده اش معتمد عباسی همدست شدند ، غذایی به زهر آلوده کردند و فرزند زهرا را غریبانه و مظلومانه مسموم و شهید کردند ، بمیرم چه گذشت به امام حسن عسگری توی شهر غریب دور از وطن هیچکس را ندارد .

وقت شهادت سر بابا را بدامن گرفت و برای مظلومی و بی کسی باباش امام هادی علیه السلام گریبان چاک زد و غریبانه گریه می کرد . (۳۰)

ولی این کار کربلا بر عکس شد پدر سر بالین پسر آمد سر علی اکبر علیه السلام را به دامن گرفت . . .

نوحه و سینه زنی

یا علی النقی جانها فدایت

شیعیان چشم گریان در عزایت

یاحجه اللّه ، اجرک اللّه

سامره در غمش ماتم سرا شد

غرق در زاری و شور و نوا شد

یاحجه اللّه ، اجرک اللّه

ای دهم حجت خدای منان

جان سپردی بمانند غریبان

یاعلی النقی ای نور یزدان

جان سپردی براه دین

و قرآن

یاحجه اللّه ، اجرک اللّه

جان فدای تو ای امام مظلوم

ای به زهر ستم گردیده مسموم

یا علی النقی امام هادی

ای که از زهر کین از پا فتادی

یاحجه اللّه ، اجرک اللّه

یا اَبا مُحَمَّد یا حَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ ، اَیُّهَا الزَّکِیُّ الْعَسْکَرِیُّ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ یا حُجَّهَ اللهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّاتَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا یا وَجیهاً عِنْدَ اللهِ اشفع لنا عنداللّه .

روضه و مصیبت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام

شهید زهر جفا یا حسن عسکری

کشته راه خدا یا حسن عسکری

پور علی النقی سرور اهل یقین

کن نظری از کرم به زمره مؤ منین

شفیع روز جزا رهبر دنیا و دین

نتیجه طا و ها یا حسن عسکری (۳۱)

بمیرم ، امام حسن عسکری علیه السلام ۲۸ ساله بوده ، خدا لعنت کند خلفای عباسی را که چقدر ظلم کردند و بچه های زهرا علیهم السلام را اذیت کردند ، متوکل یک جور ، پسر لعینش المعتزّ یک جور ، مهتدی با اللّه جور دیگر ، معتمد هم . . . ،

عصرامامت امام حسن عسکری علیه السلام مصادف با حکومت سه طاغوت بود که گفتم : المعتزّ ، المهتدی ، المعتمد که خدا هر آن به آن عذاب همه شان را زیاد کند ، آن بزرگوار از ناحیه این سه ظالم چه ستمها و شکنجه ها و آزارها و اهانت ها و زندانها که ندید .

امام حسن عسکری علیه السلام در دوران امامت و زندگیشان همیشه تحت نظر و فشارهای سخت و همیشه توی زندانها بسر

می برده ، به رئیس زندان صالح بن وصیف گفته بود تا می تونی توی زندان زندگی را به فرزند

زهرا تنگ کن و سخت بگیر . صالح هم دو نفر مامور مخصوص شکنجه و آزار حضرت کرده بود ، و سخت می گرفت ، یک مـدتی هم در زنـدان نحریر خبیث ترین افراد و خشن ترین اشـخاص است و آنهـا هم از شـکنجه هر چه از دسـتشان بر می آمد انجام می دادند .

هر چه زنش می گفت : اینقدر بچه های زهرا را اذیت نکن از خدا بترس ، می ترسم خدا بلایی سرت بیاورد ، ولی آن نانجیب گوش نمی کرد و لـج می کرد و می گفت : امروز امـام شـما را توی باغ وحش می انـدازم که خوراک حیوانات درنـده شود . وقتی این کـار را کرد ، دیـد تمام حیوانات دور فرزنـد زهرا علیه السـلام را گرفته ، گریه و خروش خوش آمـد و صورت روی قدمهای حضرت می گذارند . .

آقـا یک مـدت در زنـدان علی بن حزین ، یک مـدت در زنـدان علی بن اوتاش که آن هم از افراد بی رحم خوانخوار بود و از دشـمنان سر سخت آل محمد علیهم السلام بود و به او دستورداده بودند بچه های زهرا علیه السلام را هر جور شکنجه و آزاری می خواهی بـده ، و معتمـد لعین بطور مرموزی که کسـی متوجه نشود ، فرزند زهرا را زهر داد و مسـموم کرد . بمیرم نمی دانم این چه زهری بود که تمام قـدرت حضـرت را گرفته بود که امام حسن عسـکری علیه السـلام هی بیهوش می شـد و بهوش می آمد تا اینکه یک وقت دیدند آقاجان داده . . . (۳۲)

نوحه و سینه زنی

گشت بابای تومسموم

ازجفایابن الحسن

سوخت از زهر ستم سر تا به پا یابن الحسن

من نمی دانم چه زهری بود آن زهر جفا

کرد او را از عزیزانش جدا یابن الحسن

عسکری شد کشته از زهر جفای معتمد

عالمی ماتم سرا شد زین عزا یابن الحسن

شد نه تنها قلب پاکت در عزایش داغدار

سوختی چون شمع در این ماجر یابن الحسن

لیک از داغ حسینُ نوجوانانش مدام

اشک میباری بهر صبح و مسا یابن الحسن

گاه یاد ذوالجناح و یال خونین می کنی

آن زمان کامدبسوی خیمه ها یابن الحسن (۳۳)

یـا وَصِیَّ الْحَسَنِ وَالْخَلَفَ الْحُجَّهَ اَیُّهَا الْقـائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِیُّ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ یـا حُجَّهَ اللهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیِّدَناوَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا یا وَجیهاً عِنْدَ اللهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

فراق امام زمان

ای نور چشم زهرا یا بن الحسن کجائی

ای شمس آل طاها یابن الحسن کجائی

جانهای عاشقانت برلب رسیده شاها

خورشید عالم آرا یابن الحسن کجائی

از مرحمت نگاهی خون شد دل فکارم

دریاب عاشقان را یابن الحسن کجائی

تا کی تو اندر این دل هجر تو را تحمل

برلب رسیده جانها یابن الحسن کجائی (۳۴)

یکی از وظایف ما در زمان غیبت حضرت حجه بن الحسن العسکری روحی و ارواح العالمین له الفداء در فراق آن حضرت مهموم و مغموم و گریان شدن است و این کار یکی از نشانه های دوستی و اشتیاق به آن حضرت است ، گریه برای آن حضرت از شدت شوق باید مثل کسی باشد که مریض است ودلش از شدت درد می جوشد ، اُنس والفت به امام را در دل خود زیاد کنید ، چون امام صادق علیه السلام فرمود : هرکس دلش

بخاطر ما به درد آید و گریان شود وقت مرگ با ملاقات مادلش شاد می شود .

بمیرم برای امام زمان که چه مصبیتها کشیده و می کشد که قابل شمارش نیست ، خود امام زمان عَجْلّ اَللّٰهُ تَعالی فَرَجُهُ الشَّرِیفْ برای مصیبتهای رسول خدا صلی اللّه علیه و آله و دختر عزیزش حضرت زهرا علیها السلام و ائمه و همه مردان خدایی که در راه اسلام کشته و شهید و مجروح شده اند .

و برای مصیبتهای جانسوز و غمباری که بر جّد بزرگوارش امام حسین علیه السلام وارد شده که هیچ کس عمق این فاجعه را مثل امام زمان (عج) درک و لمس وحس نمی کند . آن حضرت به یاد مصائب جانگداز و جگر سوز امام حسین علیه السلام می فرماید : اگر زمانه بین من و شما را تاخیر انداخت و در آن زمان نبودم شما را یاری کنم اما حالا هر روز و شب به یاد مصیبتهای درد ناک شما گریه می کنم و از صبح تا شب ندبه و گریه می کنم و اگر اشکم تمام شود در عوض خون برایت گریه می کنم ، یا جدا فراموش نمی کنم ، آن وقت و ساعتی را که عمر سعد معلون به لشکرش دستور داد : نگذاریدآب به خیام حرم حسین واردشود ، و همه بشما حمله کردند و بدن نازنین شما را آماج تیر ونیزه ها قرار دادند واز هر سو شما را محاصره کردند و هرکدام با اسلحه ای بدن شما را مجروح کردند و داغ زخم بر بدنت گذاشتند . (۳۵)

نوحه و سینه زنی

زنم هرشب از دل

صدایت

تا کنم جان خود را فدایت

دل زهجرتو دریای خون است

ای بقربان قَدِ رسایت

با مژه خاک راه تو روبم

سویم از مرحمت کن عنایت

عاشقم من برجمالت در کجائی

باشدم دل در خیالت در کجائی (۳۶)

دعای توسل

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ وَاَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ نَبِیِّ الرَّحْمَهِ مُحَمَّد صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ ، یا اَبَا الْقاسِمِ یا رَسُولَ اللهِ یا اِمامَ الرَّحْمَهِ یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا یا وَجیهاً عِنْدَ اللهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

یا اَبَا الْحَسَنِ یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ یا عَلِیَّ بْنَ اَبی طالِب ، یا حُجَّهَ اللهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا ، یا وَجیهاً عِنْدَ اللهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

یـا فـاطِمَهَ الزَّهْراءُ یا بِنْتَ مُحَمَّد یا قُرَّهَ عَیْنِ الرَّسُولِ ، یا سَیِّدَتَنا وَمُولاتِنا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکِ اِلَی اللهِ وَقَدَّمْناکِ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا ، یا وَجیهَهً عِنْدَ اللهِ اِشْفَعی لَنا عِنْدَ اللهِ .

یا اَبا مُحَمَّد یا حَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ اَیُّهَا الْمُجْتَبی یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ ، یا حُجَّهَ اللهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا یا وَجیهاً عِنْدَ اللهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ . یا اَبا عَبْدِاللهِ یا حُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ ، اَیُّهَا الشَّهیدُ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ یا حُجَّهَ اللهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا یا وَجیهاً عِنْدَ اللهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

یا اَبَا الْحَسَنِ یا عَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ ، یا زَیْنَ الْعابِدینَ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ یا حُجَّهَ اللهِ عَلی

خَلْقِهِ يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ اِلَى اللهِ ، وَقَدَّمْناکَ بَيْنَ يَدَیْ حاجاتِنا ، يا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

يا اَبا جَعْفَر يا مُحَمَّدَ ، بْنَ عَلِيٍّ اَيُّهَا الْباقِرُ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ يا حُجَّةَ اللهِ عَلى خَلْقِهِ يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ اِلَى اللهِ ، وَقَدَّمْناکَ بَيْنَ يَدَیْ حاجاتِنا ، يا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

يا اَبا عَبْدِ اللهِ يا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّد ، اَيُّهَا الصّادِقُ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ يا حُجَّةَ اللهِ عَلى خَلْقِهِ يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ اِلَى اللهِ وَقَدَّمْناکَ بَيْنَ يَدَیْ حاجاتِنا ، يا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ .

اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ ، يا اَبَا الْحَسَنِ يا مُوسَى بْنَ جَعْفَر ، اَيُّهَا الْكاظِمُ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ يا حُجَّةَ اللهِ عَلى خَلْقِهِ يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ اِلَى اللهِ وَقَدَّمْناکَ بَيْنَ يَدَیْ حاجاتِنا ، يا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

يا اَبَا الْحَسَنِ يا عَلِيَّ بْنَ مُوسى اَيُّهَا الرِّضا يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ يا حُجَّةَ اللهِ عَلى خَلْقِهِ يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ اِلَى اللهِ وَقَدَّمْناکَ بَيْنَ يَدَیْ حاجاتِنا ، يا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

يا اَبا جَعْفَر يا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ اَيُّهَا التَّقِيُّ الْجَوادُ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ يا حُجَّةَ اللهِ عَلى خَلْقِهِ يا سَيِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِكَ اِلَى اللهِ وَقَدَّمْناکَ بَيْنَ يَدَیْ حاجاتِنا ، يا وَجيهاً عِنْدَ اللهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

يا اَبَا الْحَسَنِ يا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّد اَيُّهَا الْهادِی النَّقِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ يا حُجَّةَ اللهِ عَلى

خَلْقِهِ یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا یا وَجیهاً عِنْدَ اللهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

یا اَبا مُحَمَّد یا حَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ ، اَیُّهَا الزَّکِیُّ الْعَسْکَرِیُّ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ یا حُجَّةَ اللهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا یا وَجیهاً عِنْدَ اللهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

یا وَصِیَّ الْحَسَنِ وَالْخَلَفَ الْحُجَّةَ اَیُّهَا الْقائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِیُّ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ یا حُجَّةَ اللهِ عَلی خَلْقِهِ یا سَیِّدَنا وَمَوْلانا اِنّا تَوَجَّهْنا وَاسْتَشْفَعْنا وَتَوَسَّلْنا بِکَ اِلَی اللهِ وَقَدَّمْناکَ بَیْنَ یَدَیْ حاجاتِنا یا وَجیهاً عِنْدَ اللهِ اِشْفَعْ لَنا عِنْدَ اللهِ .

یا سادَتی وَمَوالِیَّ اِنّی تَوَجَّهْتُ بِکُمْ اَئِمَّتی وَعُدَّتی لِیَوْمِ فَقْری وَحاجَتی اِلَی اللهِ ، وَتَوَسَّلْتُ بِکُمْ اِلَی اللهِ ، وَاسْتَشْفَعْتُ بِکُمْ اِلَی اللهِ ، فَاشْفَعُوا لی عِنْدَ اللهِ ، وَاسْتَنْقِذُونی مِنْ ذُنُوبی عِنْدَ اللهِ ، فَاِنَّکُمْ وَسیلَتی اِلَی اللهِ وَبِحُبِّکُمْ وَبِقُرْبِکُمْ .

اَرْجُو نَجاةً مِنَ اللهِ ، فَکُونُوا عِنْدَ اللهِ رَجائی یا سادَتی یا اَوْلِیاءَ اللهِ ، صَلَّی اللهُ عَلَیْهِمْ اَجْمَعینَ وَلَعَنَ اللهُ اَعْداءَ اللهِ ظالِمیهِمْ مِنَ الْاَوَّلینَ وَالْاخِرینَ . آمینَ رَبَّ الْعالَمینَ .

پی نوشتها

۱) جلاالیون ۱ . ۷۴ ، ۷۵ باب زندگانی ووصایای آن حضرت درباره حضرت فاطمه (س)

۲) جلاالعیون ۲ . ۵۸۹ وقایع بعدارشهادت

۳) سوگنامه اهلبیت ۲۵ .

۴) جلال العیون ، ج ۱ ، کیفیت شهادت آن حضرت

۵) ج ۲ وقایع روزعاشورا

۶) شعر : ازکتاب نغمه های کربلا ، ج ۲ ، ۳۷ ،

۷) جلاء العیون ج ۱ کرامات الفاطمیه قسمت سوگنامه

۸) جلاالعیون ج ۱ ، بلبل بوستان حضرت

مهدی ج ۲ . ص ۱۴۱ .

۹) جلاالعیون ج ۱ ، بلبل بوستان حضرت مهدی ج ۲ . ص ۱۴۱ .

۱۰) ناسخ تواریخ زندگینامه امام حسین علیه السلام وبلبل بوستان حضرت مهدی ج ۳ ص ۲۱۶

۱۱) نغمه های کربلاج ۱ ص ۷۱.

۱۲) جلاءالعیون ج ۲ زندگانی وشهادت حضرت امام سجاد .

۱۳) نغمه های کربلای ج ۲ ص ۱۵۸ .

۱۴) نغمه کربلاج ۲ ص ۱۴۶

۱۵) جلاالعیون ج ۲ شرح وفات ووصیت آن حضرت (امام باقر (ع)

۱۶) نغمه های کربلاج ۲ ص ۱۶۵ .

۱۷) جلاالعیون ج ۲ قسمت شهادت آن حضرت (امام صادق)

۱۸) دیوان محبت ص ۱۴۰ .

۱۹) دیوانه محبت ۱۴۵ .

۲۰) جلاء العیون ج بخش ستمهای وارده برآنحضرت (موسی بن جعفر)

۲۱) منهاج البیان ۳۳۵

۲۲) سوگنامه اهلبیت علیهم السلام ۱۵۲ .

۲۳) لاله های عشق ۲۱۰

۲۴) جلاء العیون ج ۲ احوالات وشهادت امام رضا (ع) بلبل بوستان مهدی (عج) ج ۳/۱۲۶

۲۵) داستانهایی از امام رضا (ع) ۱۸۴

۲۶) آینه درارن نور۱۳۴ .

۲۷) جلاالعیون ج ۲ شهادت آن حضرت - بلبل بوستان حضرت مهدی ج ۳ص ۲۱۲

۲۸) نغمه های کربلاج ۱ ص ۱۳۶ .

۲۹) آینه داران نور ۱۴۰

۳۰) جلاء العیون ج ۲ شهادت آن بزرگوار

۳۱) شعر : ازنغمه های کربلا ، ج ۱ ، ۱۴۴ .

۳۲) جلاء العیون ج ۲ قسمت شهادت آن حضرت

۳۳) شعر : از نغمه های کربلا ، ج ۳ ص ۱۸۱

۳۴) دیوان لاله های محبت ،

ص ۹۰ .

۳۵) الوقایع والحوادث ج ۳ ، ص ۳۰۱ .

۳۶) دیوان لاهای محبت ، ص ۷۸ .

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
اصفهان
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹